

دیپلمات‌ها از موانع بر سر راه توافق خبر می‌دهند؛

شبح «اوفک» و کنسرسیونم «خسارت»



حمیدرضا مهدیزاده

در حالی که منابع دیپلماتیک به شرط ناشناس ماندن، از نهایی شدن پیش‌نویس یک توافق ۱۴ بندی میان تهران و واشنگتن سخن می‌گویند، رصد خروجی رسانه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که اختلافات عدیده، همچنان در جزئیات مالی و امنیتی این متن نهفته‌است.

این «گزارش ویژه» بر مبنای آخرین سیگنال‌های اطلاعاتی از منابع ایرانی، آمریکایی، عربی و اروپایی، سعی دارد تا برای مخاطبان ارجمند، ابعاد پنهان توافق احتمالی تهران-واشنگتن را واکاوی کند.

خاتم‌ها و آقایان به میز سیاست خارجی «توسعه ایرانی» خوش آمدید.



قلب تپنده این توافق احتمالی که البته همچنان متن آن میان تهران و واشنگتن به‌صورت پینگ‌پنگی در زمین پاکستان رد و بدل می‌شود و دوروز پیش هم ترامپ ابراز ناراضیاتی شدید خود از پاسخ تهران به متن آپدیت شده ایالات متحده را توثیق کرد، به لغو تحریم‌های اداره کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا (OFAC) مربوط است که بنابه گزارش وال استریت ژورنال از قول منابع آگاه آمریکایی حاضر در مذاکرات، به‌بزرگترین نقطه تضاد طرفین تبدیل شده‌است.

«شتراک در کلیات؛ حقوق بشر»؛ طرفین بر سر آزادسازی اولیه بخشی از دارایی‌ها جهت مصارف بشردوستانه به توافق رسیده‌اند.

«افتراق در جزئیات؛ جنگ اعداد»؛ بر پایه اطلاعات رسیده به خبرنگار «توسعه ایرانی» از منابع داخلی، ایران بر حق دسترسی به ۱۲۰ میلیارد دلار دارایی (شامل خسارات عدم فروش نفت) تأکید دارد، رویترز اما گزارش داده که واشنگتن تنها بر سر ۲۰میلیارد دلار نقدینگی موجود در بانک‌های موسوم به شخص ثالث چانه می‌زند و حاضر به پرداخت هیچ‌گونه سودی به دارایی‌های توقیف شده تهران طی سال‌های گذشته ناشی از تحریم‌های اولیه مربوط به اشغال سفارت آمریکا، تحریم‌های ثانویه مربوط به حوزه اتمی و تحریم‌های حقوق بشری نیست.

تله بانکی؛ بلومبرگ فاش کرده که آمریکا قصد دارد برچسب «تامین مالی تروریسم» را حتی با برداشتن «تحریم وزارت خزانه‌داری» بر بانک‌های مرکزی، ملی، ملت و سپه، حفظ کند تا کاخ سفید همچنان نظارت خود بر هر سنت از این پول‌ها را از طریق کنسرسیونم پیشنه‌های اعمال کند اما بر پایه اطلاعات منتقل

گفت و گو

«ابداع حقوقی جدید؛ ندی ترامپ؛ مالیات در مبدأ و کنسرسیونم خسارت»

اطلاعات رسیده به «توسعه ایرانی» نشان می‌دهد که آمریکا باطرحی موسوم به «کنسرسیونم خسارت» به دنبال تغییر قواعد بازی در «خلیج فارس» است. اما بر پایه گزارش لویدز لیست «Lloyd’s List» در حالی که ایران بر دریافت مستقیم «عوارض عبور» از تنگه هرمز پافشاری می‌کند، آمریکا طرح «مالیات در مبدأ» را ارائه داده است. طبق این طرح، مبالغ به جای حساب‌های تهران، به یک «صندوق امنی منطقه‌ای» واریز خواهد شد، امری که تهران همچنان مخالفت شدید خود را با آن اعلام کرده‌است.

خسارت ۲۷۰میلیاردی در برابر هزینه‌های ائتلاف
خبرنگار «توسعه ایرانی» دریافته که ایران مطالبه رسمی برای دریافت ۲۷۰ میلیارد دلار خسارت را روی میز مذاکرات گذاشته است اما به گزارش فاکس نیوز، کنسرسیونم پیشنه‌های آمریکا «با نقش آفرینی عربستان و پاکستان» قصد دارد بسا فرمول «خسارات متقابل»، هزینه‌های دفاعی و آسیب به کشتیرانی را از طلب ایران کسر کند. الجزیره هم در تحلیلی اشاره کرده که «همه پول به ایران نمی‌رسد» و بخش بزرگی از آن در پروژه‌های مشترک منطقه‌ای جهت «مهار اقتصادی ایران» مصرف خواهد شد.

پرونده اتمی و موشکی؛ تعلیق در برابر تحدید «مدل ۳۰روزه»

بر خلاف گمانه‌زنی‌ها درباره حذف مسئله هسته‌ای، گزارش آکسیوس (Axios) حکایت از آن دارد که این موضوع «ستون فقرات» بازه زمانی ۳۰روزه‌است. «توسعه ایرانی» مطلع شده که ایران در متن اولیه با طرح «فریز هسته‌ای» متعهد به توقف غنی‌سازی در سطوح حساس شده است. اما فرانس ۲۴ گزارش داده که منابع اروپایی در گفت‌وگو با دیپلمات‌های آمریکا ادعا کرده‌اند

ریسک موشکی؛ یکی از بندهای جنجالی، محدودیت برد موشک‌های بالستیک به ۲۰۰۰ کیلومتر است. جروزالم پست در گزارشی تند، مدعی شده که اسرائیل این بند را کافی نمی‌داند و خواستار گنجاندن «برچیدن کامل» لانچرها در توافق نهایی است. اما بر پایه اطلاعات رسیده به «توسعه ایرانی»، تهران موشک را بخشی از «امنیت ملی» دانسته و تنها با شفافیت نظارتی «و نه کاهش فضای تنفس راهبردی می‌دهد، با استفاده از لابی موسوم کرده‌است.

«یکی از دلایل اصلی ناراضیاتی شدید دوروز پیش ترامپ از پاسخ تهران به همین بند مربوط است.»

خبرنگار «توسعه ایرانی» در یافت که ایران مطالبه رسمی برای دریافت ۲۷۰میلیارد دلار خسارت را روی میز مذاکرات گذاشته‌است اما به گزارش فاکس نیوز، کنسرسیونم پیشنه‌های آمریکا «بانقش آفرینی عربستان و پاکستان» قصد دارد با فرمول «خسارات متقابل»، هزینه‌های دفاعی و آسیب به کشتیرانی را از طلب ایران کسر کند. الجزیره هم در تحلیلی اشاره کرده که «با این فرمول، «همه پول به ایران نمی‌رسد» و بخش بزرگی از آن در پروژه‌های مشترک منطقه‌ای جهت «مهار اقتصادی ایران» مصرف خواهد شد

مخالفت کرده‌است.

واکاوی این لایه‌ها نشان می‌دهد که ما با یک «توافق مسلح» روبرو هستیم. ترامپ با استفاده از کلیدواژه‌هایی چون «دودین ایران در ۴۷ سال گذشته»، به دنبال آن است که این بار ایران را در یک «قفس مالی بین‌المللی» محصور کند که کلید آن در دست کنسرسیونم باشد. در مقابل، بنا به اطلاعات منابع خبرنگار «توسعه ایرانی»، تهران با فعال کردن هر‌های «عوارض هرمز» و «خسارت جنگی»، تلاش می‌کند آمریکا را به پذیرش نقش حاکمیتی خود در منطقه وادار سازد. در واقع، بازه ۳۰روزه، پیش از آنکه زمان برای گفتگو باشد، زمان برای «استیقامتی قدرت» طرفین است. اگر در پایان این ماه، اوفک

برچسب‌های تروریستی را از بانک‌های ایران بردارد، بعیداست تهران به بندهای «موشکی و هسته‌ای» در «متن فعلی توافق» وفادار بماند!

حال بیابیم تا با واکاوی نقش‌ها به درک بهتری از دورنمای توافق احتمالی برسیم.

«فیلد مارشال؛ عاصم منیر»:

به گزارش «Dawn News» ارتش پاکستان به عنوان «ناظر میدانی» بر آتش بس غنربررسی در خلیج فارس و مرزهای شرقی ایران نظارت خواهد داشت تا از سوء تفاهم‌های تاکتیکی در طول ۳۰روز جلوگیری شود.

اما منابع مطلع به خبرنگار ما گفته‌اند که منیر نه انتخاب تهران که محصول اجماع منطقه‌ای بوده و همین امر باعث نخواهد شد که ایران حاضر به دادن چنین نقشی به ارتش پاکستان در رصد مداوم مرزهای شرقی با «هدف ارائه گزارش» شود.

درستی این تحلیل زمانی هویدا خواهد شد که مخاطبان ارجمند توجه داشته باشند: همان روزی که رسانه‌های پاکستان از تغییر نقش «گولاتوری» اسلام آباد به «میانجی» خبر دادند متشخص مطلع حاضر در مذاکرات طی گفت و گو با خبرنگار «توسعه ایرانی» این ادعا را قویا «رد» کردند.

«بنیامین نتانیاهو؛ خرابکار ضروری»: برای نتانیاهو، هرگونه توافقی که شامل «غنی‌سازی صفر» نباشد، یک شکست راهبردی برای دولتش در آستانه انتخابات کنست در ماه نوامبر است. او با چراغ سببز «دونالد ترامپ» نقش «ترمز اضطراری» را بازی می‌کند. اگر احساس کند توافق ۳۰روزه به ایران فضای تنفس راهبردی می‌دهد، با استفاده از لابی موسوم به صهیونیستی در واشنگتن یا عملیات‌های نقطه‌ای «Sabotage»، سعی در برهم زدن میز مذاکره خواهد داشت. او می‌خواهد آمریکا را در وضعیت «فشار حداکثری» نگه دارد تا ایران ضعیف شود، نه لزوماً در حال مذاکره. مخاطبان ارجمند حتماً مطلع هستند که مقامات ارشد دموکرات اصلی‌ترین ابزار فشار

«بی‌بی» پسر ترامپ را به پرونده «جفری ایستین» مرتبط می‌دانند.

«شی جین پینگ؛ کاسپ استراتژیک»: با اینکه چین بیشترین سود را از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» می‌برد، اما به باور مقامات آمریکایی «شی» دارای نقش سوپاپ اطمینان در قبال ایران، است.

به باور ترامپ، شی از توافق استقبال می‌کند چون امنیت انرژی در تنگه هرمز برای اقتصاد چین حیاتی است، اما او نمی‌خواهد ایران کاملاً به سمت غرب بچرخد. چسبن در این توافق، نقش «تضمین‌کننده خرید نفت» را ایفا می‌کند تا ایران در برابر کنسرسیونم غربی، یک «جایگزین نقد» داشته باشد.

«ما با یک «توافق مسلح» روبرو هستیم. ترامپ با استفاده از کلیدواژه‌هایی چون «دودین ایران در ۴۷سال گذشته»، به دنبال آن است که این بار ایران را در یک «قفس مالی بین‌المللی» محصور کند که کلید آن در دست کنسرسیونم باشد. در مقابل، بنا به اطلاعات منابع خبرنگار «توسعه ایرانی»، تهران با فعال کردن اهرم‌های «عوارض هرمز» و «خسارت جنگی»، تلاش می‌کند آمریکا را به پذیرش نقش حاکمیتی خود در منطقه وادار سازد

شماره ۲۱۷۷ / سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ / ۲۴ ذوالقعدة ۱۴۴۷ / ۱۲ می ۲۰۲۶

نمود خود در بخش هسته‌ای ایران، مسکورا به عنوان

«میانجی اجتناب‌ناپذیر» در بازه ۳۰روزه تحمیل کند تا در معاملات بزرگتر بسا ترامپ، کارت بازی با ایران را همچنان حفظ کند. اما تقریباً دست پوتین برای همه طرف‌ها رو شده‌است. در واقع افسر پیشین «کا.گ.ب» برخلاف تصور عمومی رایج، هیچ‌گونه «اس» جهت روکردن در میز مذاکرات را در دست ندارد.

حال، با در نظر گرفتن ابعاد ماجرا بیابیم نوربیشتری را به بخش‌های تاریک در گزارش‌های آکسیوس و سی‌بی‌اس، بتابانیم.

گزارش‌های اخیر در آکسیوس و سی‌بی‌اس حاکی از این است که دولت ترامپ طرح اولیه یک صفحه را برای پایان دادن به درگیری‌ها دنبال می‌کند. این طرح شامل موارد کلیدی زیر است:

الف: آتش بس فوری و بازگشایی تنگه هرمز؛ به عنوان پیش شرطی برای ورود به مدیریت اصلی.
ب: دوره طرح ۳۰روزه؛ برای حل مسائل پیچیده از جمله موضوعات هسته‌ای و آزادسازی دارایی‌های مسدود شده ایران.
ج: انتقال ذخایر اورانیوم؛ ترامپ مدعی شده‌است که به دنبال خروج ذخایر اورانیوم غنی شده از ایران است، و حتی دوروز پیش هم تهدید کرد که در صورت تلاش تهران جهت رسیدن به اورانیوم مذفون شده در سایت نظنز و سایت اصفهان، بمباران آغاز خواهد شد. موضوعی که همچنان با مخالفت شدید تهران روبروست.

پیش‌بینی: با جمع‌بندی همه داده‌ها و تکیه برمنظر «تالیسم سیاسی» در خواهیم یافت که قطعاً تهران و واشنگتن به یک «توافق جامع» (Grand Bargain) نخواهند رسید، چرا که تضاد منافع خصوصاً با عدم تمایل طرفین جهت ایجاد رابطه پایدار دیپلماتیک که لازمه‌اش پایان اشغال سفارت آمریکا در تهران توسط بخشی از نیروهای نظامی جمهوری اسلامی است، تقریباً میان ایران و آمریکا حل‌ناشدنی باقی می‌ماند. و خروجی این توافق احتمالی نهایتاً یک یادداشت تفاهم اجرائی «MOU» جهت مدیریت تنش است.

حال ممکن است این سوال مطرح شود که چرا؟ پاسخ روشن است: چون ترامپ به دنبال «مهار ازان» است و ایران به دنبال «تنفس اقتصادی».

پس، هیچ کدام حاضر نیستند اهرم‌های اصلی خود «هسته‌ای موشکی برای ایران و تحریم برای آمریکا» را به‌طور دائمی واگذار کنند. لذا وضعیت «نه جنگ، نه صلح» به شکل یک «اتش بس پایدار مالی-نظامی» حتی به فرض شروع مجدد جنگ محدود در هفته آینده، باز تولید می‌شود.

در واقع توافق ۱۴ بندی میان طرفین صرفاً یک «پل زمانی» است تا تهران و واشنگتن وادار شوند که از لبه پر تلاوه «جنگ تمام‌عیار» عقب‌نشینی کنند. این خواست اصلی اعراب، پاکستان، چین، اروپا و روسیه است اما نتانیاهو و لیکود به شدت با آن مخالفت می‌کنند.

در واقع، ما وارد دورانی می‌شویم که در آن «جنگ گرم» جای خود را به «جنگ حقوقی-بانکی» می‌دهد. ایران به بخشی از پول خود ابراه جلوگیری از فروپاشی اجتماعی) دست می‌یابد، اما همچنان تحت مدیریت اوفک باقی خواهد ماند.

نتیجه: خوش‌مان بیاید یا نه؛ جهان دیگر شاهد «برجام ۲» نخواهد بود بلکه شاهد یک «قرارداد مدیریت ریسک» است. در این بازی، هیچ‌کس پیروز مطلق نیست؛ آمریکا «زمان» می‌خرد و ایران «فرصت بقا».

نقش آفرینی «نتانیاهو، شی و پوتین» نشان می‌دهد که این توافق بیش از آنکه دوجانبه باشد، یک «ترازو با چندین وزنه سنگین» محسوب می‌شود که هر لحظه ممکن است با یک حرکت اشتباه، دوباره به سمت درگیری میل کند.



صادر کننده نفت در منطقه است.وی درباره اینکه آیا تلاش امارات برای دور زدن تنگه هرمز را باید بخشی از راهبرد مقابله با اهرم می‌کند و این اقداماتی کاملاً مغایر با جهت گیری کلی امنیتی در منطقه است و نشان می‌دهد که امارات می‌خواهد یک جانبه اقدام کند و این گام‌هایی و لقمه‌هایی است که حجم آن بیش از دهان امارات است و در واقع که بیش از نان خود برمی‌دارد و دچار مشکلات بزرگی خواهد شد.

صهیونیست‌ها زمام کنترل سیاست در ابوظبی را به دست دارند

وی درباره اینکه آیا ممکن است ابوظبی برای حفظ انجام فدرال، ناچار به تجدیدنظر شود یا همین روند ادامه پیدا خواهد کرد، گفت: مناسفه بن زاید خودش را بیش از حد آلوده کرده و راه بازگشت را برای خودش بسته‌است، چون صهیونیست‌ها زمام کنترل سیاست در ابوظبی را به دست دارند و بازگشت بن زاید بسیار سخت است، ولی به نفع بن زاید است که از این سیاست دشمنی با مردم منطقه و ملت‌های منطقه بر گردد در غیر این صورت می‌تواند برای امارات شرایط نامناسبی را ایجاد کند و مشکلات عدیده‌ای را به وجود بیاورد.

صادر کننده نفت در منطقه است.وی درباره اینکه آیا تلاش امارات برای دور زدن تنگه هرمز را باید بخشی از راهبرد مقابله با اهرم می‌کند و این اقداماتی کاملاً مغایر با جهت گیری کلی امنیتی در منطقه است و نشان می‌دهد که همیشه یک سیاست برادرانه با کشور‌های منطقه داشته باشد، ولی متأسفانه بعضی از کشور‌ها از اول تا به امروز همیشه با جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های خصمانه داشتند و راه دیگری انتخاب کردند.مهم‌ترین آنها همین کشور امارات است؛ چه زمانی که ادعای ارضی نسبت به جمهوری اسلامی اعلام کردند و چه کارشکنی‌های مختلفی که در محافل بین‌المللی داشتند، چه اینکه الان رسماً پایگاه به آمریکا و اسرائیل در منطقه می‌دهند که علیه جمهوری اسلامی اقدام کنند.

سفیر پیشین ایران در اردن و لبنان گفت: این در حقیقت یک موضوع غیر اخمانه علیه جمهوری اسلامی است که دید تیز جمهوری اسلامی ایران هم دور نیست.

وی در باره نقش آمریکا و اسرائیل در تشدید یا مدیریت اختلافات داخلی امارات گفت: آمریکا و رژیم صهیونیستی خواهان نزدیکی هر چه بیشتر با امارات هستند تا بتوانند ریشه نفاق و اختلاف را در منطقه از این طریق اجرا کنند. الان امارات با عربستان اختلاف دارد، امارات با قطر اختلافات دارد امارات

امارات می‌خواهد لقمه‌هایی بزرگتر از دهانش بردارد

شده است اما امروزه به دلیل سیاست‌های افراطی و بیش از حد یک‌جانبه‌گرایی بن‌زاید، دوباره این اختلافات در حال بروز و ظهور است. اگر چه تاکنون مدیریت شده‌ولی در آینده ممکن است که بیش از پیش این سیاست‌ها دچار تنش شود.

امنیت چیزی نیست که از بیرون وارد محیط منطقه شود
دستمالچیان در پاسخ به این سوال که چرا اخیراً تهران چه تغییری در محاسبات امنیتی امارات ایجاد کرده است؟ یا می‌توان گفت تصویر «پناهگاه امن اقتصادی» که امارات طی دهه‌های اخیر ساخته بود، در اثر این تحولات آسیب دیده‌است؟

تصریح کرد: همیشه معتقد بودم و هستم که تا وقتی تکلیف نظام امنیتی در منطقه مشخص نشود، هر نوع رشد و توسعه یک‌جانبه یک مفهوم انتزاعی دارد. یعنی اگر بنا باشد امنیت در منطقه تکلیف روشن نداشته باشد، به راحتی این توسعه و پیشرفتی که شده با زیرساخت‌هایی که ساخته شده، از بین رفتنی است.

وی ادامه داد: حالا این چیزی است که امارات بیش از حد در این رابطه افراط به خرج داد و فکر کرد که با حمایت اسرائیل یا آمریکا می‌تواند سیاست یک‌جانبه را به پیش ببرد، در حالی که امروز مفهوم امنیت به نظر من – در کل کشور‌های عربی خلیج فارس عوض شده‌است. ما بارها تأکید می‌کردیم که امنیت خریدنی نیست؛ امنیت چیزی نیست که از بیرون وارد محیط منطقه شود.

سفیر پیشین ایران در اردن و لبنان تأکید کرد: به‌طور کل این مفهوم عوض می‌شود و آن چیزی که جمهوری اسلامی ایران از گذشته می‌گفت، درست بود، یعنی اینکه امنیت در منطقه برآیند همکاری‌های دسته‌جمعی در منطقه است و برای ثبات و امنیت منطقه باید این همکاری شکل بگیرد تا توسعه، پیشرفت و رشد در منطقه انجام شود.

اختلافات امیرنشین‌ها در امارات ناشی از جهت‌گیری سیاسی ابوظبی است
دستمالچیان درباره اینکه تا چه اندازه نگرانی از کشیدگی شدن تنش‌های منطقه‌ای به خاک امارات، عامل بروز اختلاف میان امیرنشین‌ها شده‌است؟ و اینکه آیا می‌توان این‌طور